

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلائل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَسُنُّهُ: التَّسْمِيَّةُ، وَتَقْدِيمُ يَمِينِهِ،^۱ وَأَعْلَى وَجْهِهِ،^۲

و سنت‌های آن: بسم‌الله گفتن، و مقدم کردن (دست) راستش، و بالای صورتش،
 وَفِي الْيَدِ: يَضَعُ أَصَابِعَ الْيُسْرَى سِوَى الْإِبْهَامِ عَلَى ظُهُورِ أَصَابِعِ الْيُمْنَى سِوَى الْإِبْهَامِ
 وَيُمِرُّهَا إِلَى الْكُوعِ، ثُمَّ يَضُمُّ أَطْرَافَ أَصَابِعِهِ إِلَى حَرْفِ الذَّرَاعِ وَيُمِرُّهَا إِلَى الْمِرْفَقِ ثُمَّ
 يُدِيرُ بَطْنَ كَفِّهِ إِلَى بَطْنِ الذَّرَاعِ وَيُمِرُّهَا وَإِبْهَامُهُ مَرْفُوعَةً، فَإِذَا بَلَغَ الْكُوعَ مَسَحَ بِبَطْنِ
 إِبْهَامِ الْيُسْرَى ظَهْرَ إِبْهَامِ الْيُمْنَى، ثُمَّ يَمَسُحُ الْيُسْرَى بِالْيُمْنَى كَذَلِكَ.^۳

و در دست: انگشتان دست چپ بغیر از ابهام بر پشت انگشتان دست راست بغیر از ابهام
 می‌گزارد و تا می‌چسبند آن را می‌کشاند. سپس اطراف انگشتان (دست چپ)ش را به اطراف ساعد
 جمع می‌کند (یعنی ساعد را می‌گیرد) و آن را تا آرنج می‌کشاند. سپس داخل کف (دست
 چپ)ش را به داخل ساعد (دست راست) دور می‌دهد و آن را (به طرف میچ) می‌کشد در
 حالی که ابهام (دست راست)ش بالاست (یعنی باز است). پس هرگاه به میچ رسید با داخل

^۱ . دلایل این دو در سنت‌های وضو گذشت.

^۲ . زیرا شریف‌ترین قسمت انسان است که در آن سجده‌گاه قرار دارد و بر وضو قیاس
 گرفته می‌شود.

^۳ . تحفه المحتاج: در مورد کیفیت تیمم دو دست که مشهور است به علت عدم ثبوت آن،
 امام نووی (در منهاج) آن را ساقط کرده است.

معنی المحتاج: امام نووی این کیفیت را از محرر ساقط کرده بدون این که در دقائق
 منهاج به آن اشاره‌ای کند. و این کیفیت همان گونه که در مجموع آمده، مستحب است. اگر
 چه ابن‌الرفعه گفته که مستحب نیست و دلیل آورده که چیزی در مورد آن ثابت نشده است.
 زیرا: مَنْ حَفِظَ شَيْئًا حُجَّةً عَلَى مَنْ لَمْ يَحْفَظْ. رملی در نهاییه و قلیوبی در حاشیه‌اش بر کنز،
 مستحب بودن آن را تایید می‌کنند.

ابهام (دست) چپ، پشت ابهام (دست) راست را مسح می‌کند. سپس دست چپ را با دست راست آن گونه (که در مسح دست راست توضیح دادیم) مسح می‌کند.

ثُمَّ يُخَلِّلُ أَصَابِعَهُ، وَيَمْسَحُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ بِالْأُخْرَى، وَيُخَفِّفُ الْغُبَارَ وَيُفَرِّقُ أَصَابِعَهُ عِنْدَ الضَّرْبِ عَلَى التُّرَابِ فِيهِمَا، وَيَجِبُ نَزْعُ الْحَاتَمِ فِي الثَّانِيَةِ،^۶ وَلَوْ أَحْدَثَ بَيْنَ التَّقْلِ وَمَسْحِ الْوَجْهِ^۷ وَوَجَبَ أَخْذُ ثَانٍ.^۸

سپس انگشتانش را خلال می‌کند. و یکی از دو کف دست، با (کف دست) دیگری مسح می‌کند. و غبار را سبک می‌کند. و در هر دو (ضربه)، هنگام زدن بر خاک، انگشتانش را متفرق می‌سازد (یعنی انگشتان را به همدیگر نمی‌چسباند). و در ضربه‌ی دوم، کندن انگشت را واجب می‌شود. و اگر بین نقل (خاک) و مسح صورت بی‌وضو شد گرفتن (خاک) دوم واجب می‌شود.

وَيَبْطُلُ التَّيْمُّ عَنِ الْوُضُوءِ بِنَوَاقِضِ الْوُضُوءِ، وَبِتَوَهُمِ قُدْرَتِهِ عَلَى مَاءٍ يَجِبُ اسْتِعْمَالُهُ كَرُؤِيَةِ سَرَابٍ أَوْ رَكْبٍ قَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ فِيهَا وَكَانَتْ مِمَّا تُعَادُ كَتَيْمٍ حَاضِرٍ لِفَقْدِ

^۴ . رسول الله صلی الله علیه و سلم به عمار بن یاسر فرمود: «إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيكَ أَنْ تَقُولَ بِيَدَيْكَ هَكَذَا وَهَكَذَا، وَضَرَبَ بِيَدَيْهِ إِلَى التُّرَابِ، ثُمَّ نَفَضَهُمَا، ثُمَّ نَفَخَ فِيهِمَا وَمَسَحَ بِهِمَا وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ» اسناد صحیح، صحیح ابن خزیمه ۲۶۹

بدون شک تو را کفایت می‌کرد که با دو دستت چنین انجام دهی. و دو دست خویش را به خاک زد سپس آن دو را تکان داد سپس در آن دو فوت کرد و با آن دو، صورت و دو دست خویش را مسح کرد.

^۵ . کنز، عجاله و نجم: زیرا برای پخش شدن بیش‌تر گرد و خاک بهتر است.

^۶ . کنز، عجاله و نجم: تا این که خاک به آن مکان برسد.

^۷ . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات زیاده آمده: **وَمَسْحِ الْوَجْهِ بَطْلًا**، اما در چاپ

دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

^۸ . معتمد این است که نقل دوم نیاز نیست بلکه اگر قبل از تماس دستان با صورت

تجدید نیت کند نقل محسوب می‌شود. همان گونه که در تحفه، نهاییه و مغنی آمده است.

^۹ . کنز و عجاله: اگر قبل از نماز آب بیابد به اجماع علما، تیمم او باطل می‌شود. و توهم

آب همانند یافتن آب است.

الماء،^{۱۰} فَإِنْ لَمْ تُعَدَّ كَتَيْمٌ مُسَافِرٍ فَلَا وَتَيْمَهَا وَتُجْزِئُهُ،^{۱۱} لَكِنْ يُنْدَبُ قَطْعُهَا لِيَسْتَأْنِفَهَا بِوُضُوءٍ^{۱۲} وَإِنْ رَأَهُ فِي نَفْلِ وَنَوَى عَدَدًا أَتَمَّهُ^{۱۳} وَإِلَّا فَرَكَعْتَيْنِ،^{۱۴}

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا﴾^{۱۵} سورة نساء، آیه: ۴۳

اگر آب نیافتید پس تیمم نمایید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّعِيدُ الطَّيِّبُ وَضُوءُ الْمُسْلِمِ وَلَوْ إِلَى عَشْرِ

سِنِينَ، فَإِذَا وَجَدْتَ الْمَاءَ فَأَمْسَهُ جِلْدَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ خَيْرٌ. صحیح. ابوداؤود ۳۳۲

خاک پاک، وضوی مسلمان است اگر چه تا ده سال، آب را نیابد. پس هرگاه آب را یافتی

آن را به بدن خود برسان زیرا که آن بهتر است.

^{۱۰} . عجاله: اگر به علت فقدان آب، در آبادی تیمم کرده است و نماز را آغاز کرد سپس

آب رسید نمازش باطل می شود. زیرا نمازی که می خواند اعاده دارد و دلیلی برای ادامه ی آن

وجود ندارد در نتیجه نمازش باطل می شود.

^{۱۱} . امام شیرازی در اللمع فی أصول الفقه می نویسد: نوع دوم از استصحاب، استصحاب

حال إجماع است. مانند آن، امام شافعی در تیمم می گوید: اگر شخصی با تیمم، نماز می گزارد

و در اثنای نماز، آب را یافت به نمازش ادامه می دهد. زیرا علماء اجماع دارند که قبل از دیدن

آب، نمازش منعقد است. پس واجب است که بعد از دیدن آب، این حالت را در نماز بکشاند تا

این که دلیلی پیدا شود و آن را به بطلان نقل نماید.

دلیل دیگر: اگر در اثنای نماز آب یافته شود، نماز او صحیح است. زیرا خداوند متعال

می فرماید: ﴿وَلَا تُبْطَلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾^{۱۶} سورة محمد، آیه: ۳۳

وجه دلالت آن در این است: شخصی که نماز را آغاز کرده نمی تواند از آب استفاده نماید

مگر این که نماز خویش را باطل سازد و آیه نهی می نماید که انسان اعمال خویش را باطل

سازد.

دلیل دیگر: هرگاه بعد از چسبیدن به مقصود بدل، مُبَدَّل یافته شد خروج از آن لازم او

نمی شود همان گونه که در کفاره ی قتل یا ظهار، اگر روزه را آغاز نمود سپس برده ای را یافت

لازم او نیست که روزه اش را قطع نماید. در این جا نیز وقتی که با تیمم، نماز خویش را آغاز

نمود آن را برای وضو گرفتن، قطع نمی کند.

اما اگر بعد از پایان نماز و قبل از خروج وقت آن، آب یافته شد از باب اولی که نماز او

صحیح است. دلیل آن:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: خَرَجَ رَجُلَانِ فِي سَفَرٍ، فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَلَيْسَ مَعَهُمَا مَاءٌ، فَتَيَمَّمَا صَعِيدًا طَيِّبًا فَصَلَّيَا، ثُمَّ وَجَدَا الْمَاءَ فِي الْوَقْتِ، فَأَعَادَا أَحَدُهُمَا الصَّلَاةَ وَالْوُضُوءَ وَلَمْ يُعِدِ الْآخَرُ، ثُمَّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَا ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ لِلَّذِي لَمْ يُعِدْ: «أَصَبْتَ السُّنَّةَ، وَأَجْرَاتُكَ صَلَاتُكَ». وَقَالَ لِلَّذِي تَوَضَّأَ وَأَعَادَ: لَكَ الْأَجْرُ مَرَّتَيْنِ. صحيح. ابوداود ۳۳۸

دو نفر در سفر با یکدیگر خارج شدند. وقت نماز رسید در حالی که همراه آنان آب نبود پس با خاک پاک، تیمم نمودند سپس در وقت نماز، آب را یافتند یکی از آن دو نفر، نماز را اعاده کرد و دیگری اعاده نکرد. سپس نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدند و ماجرا را تعریف کردند. رسول الله صلی الله علیه و سلم به آن شخصی که اعاده نکرده بود، فرمود: به سنت اصابت کردی و نمازت تو را کفایت کرد. و به آن شخصی که وضو گرفته و نماز را اعاده کرده بود، فرمود: برای تو اجر و پاداش دو برابر است.

عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّهُ: أَقْبَلَ مِنَ الْجُرْفِ، حَتَّى إِذَا كَانَ بِالْمَرْبِدِ تَيَمَّمْ، فَمَسَحَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ وَصَلَّى الْعَصْرَ، ثُمَّ دَخَلَ الْمَدِينَةَ وَالشَّمْسُ مُرْتَفِعَةٌ، فَلَمْ يُعِدِ الصَّلَاةَ. صحيح. معرفه السنن و الآثار ۱۶۴۱

ابن عمر از (منطقه‌ی) جرف آمد تا این که به مرید رسید، تیمم نمود. پس صورت و دو دست خویش را مسح نمود و نماز عصر گزارد سپس به مدینه داخل شد در حالی که خورشید هنوز بالا بود و نمازش را اعاده نکرد.

^{۱۲} . عجاله و نجم: تا این که از خلاف کسانی که خروج از نماز را واجب می‌دانند، خارج شود. و همچنین انتقال از پایین تر به بهتر است.

نهایه المحتاج: مانند کسی که در کفاره، با نبودن برده، روزه را آغاز می‌کند سپس برده را می‌یابد برای او بهتر است که روزه را قطع کرده و برده را آزاد کند اما واجب او نمی‌شود.

^{۱۳} . عجاله و نجم: زیرا تکبیره الاحرام او چنین منعقد شده است پس به نماز پنج‌گانه می‌ماند که تعداد رکعات آن را تعیین کرده و آن را تکمیل می‌کند.

^{۱۴} مغنی: زیرا در سنت‌ها، دو رکعت محبوب و معهود است. در نهایه نیز چنین آمده و افزون بر آن: اگر زیادتر از دو رکعت بخواند مانند این است که آب را بیابد و سپس نماز را آغاز کند جایز نمی‌شود زیرا نیاز به قصد جدید دارد (و چون آب وجود دارد قصد خاک جایز نیست).

و تیمم (بدل) از وضو با مبطلات وضو باطل می‌شود و به گمان توانایی‌اش بر آبی که استعمال آن واجب می‌شود، مانند: سراب یا سواره، (این توهم اگر) قبل از نماز (باشد)؛ یا در نماز (باشد) و آن نمازی است که اعاده کرده می‌شود مانند: تیمم شخص حاضر برای فقدان آب؛ پس اگر (نمازی است که) اعاده کرده نمی‌شود، مانند: تیمم مسافر پس نه (باطل نمی‌شود) و آن را تکمیل می‌کند و کفایتش می‌کند. اما قطع آن (نماز) سنت می‌شود تا آن را با وضو شروع کند. و اگر آب را در نماز سنت دید و نیت عدد (مشخصی از رکعات) آورد آن (تعداد رکعات) را تکمیل می‌کند و اگر نه (تعداد رکعات را مشخص نکرده) پس دو رکعت (می‌خواند).

وَلَا يَجُوزُ بِتَيْمُمٍ أَكْثَرَ مِنْ فَرِيضَةٍ وَاحِدَةٍ مَكْتُوبَةٍ أَوْ مَنذُورَةٍ^{۱۵} وَمَا شَاءَ مِنَ التَّوَافِلِ
وَالْجَنَائِزِ^{۱۶}

نهایه و مغنی: اما اگر از دو رکعت گذشته بود در همان رکعتی که قرار دارد سلام می‌دهد، ابوالطیب طبری و رویانی چنین گفته‌اند.

^{۱۵} . کفایه النبیه شرح التنبیه: ﴿لِقَوْلِهِ تَعَالَى إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ﴾ ظاهر آیه وجوب وضو و تیمم را برای هر نمازی می‌رساند اما وجوب وضو برای هر نمازی به فعل رسول الله صلی الله علیه وسلم خارج می‌شود زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه با یک وضو، پنج نماز خواند. عمر گفت: امروز کاری را انجام دادی که قبلا این کار را انجام نداده بودی؟ فرمود: ای عمر! عمدا این کار را انجام دادم. مسلم ۲۷۷

پس تیمم به ظاهر آیه باقی می‌ماند. و نمی‌توان بر وضو قیاس گرفت زیرا که تیمم، طهارت ضرورت است اما طهارت با آب، طهارت رفاهیت است.

عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: يَتَيَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَإِنْ لَمْ يُحْدِثْ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ، السَّنَنِ
الكبرى للبيهقي ۱۰۵۴

تیمم برای هر نمازی است و اگر چه بی‌وضو نشده باشد.

^{۱۶} . کفایه النبیه و نهایه: ما می‌گوییم: نماز سنت و اگر چه متعدد باشد در حکم یک نماز فرض می‌ماند به دلیل این که هرگاه شخصی در نماز سنت به یک رکعت نیت آورد می‌تواند آن را به صد رکعت تبدیل کند و به عکس.

همچنین نمازهای سنت بسیارند و مکلف کردن شخص به تیمم برای هر نماز سنتی باعث مشقت و سبب ترک آن می‌شود. و شریعت اسلام، سنت‌ها را بر تخفیف بنا نهاده است

و با یک تیمم بیش تر از یک نماز واجب جایز نمی شود (آن نماز واجب، نماز پنج گانه یا نذر شده باشد)؛ و از نمازهای سنت و جنازه هر قدر بخواهد (می تواند بخواند).

بَابُ الْحَيْضِ

أَقْلُ سِنِّ نَحْيِضُ فِيهِ الْمَرْأَةُ اسْتِكْمَالَ تِسْعِ سِنِينَ تَقْرِيْبًا،^{۱۶} فَلَوْ رَأَتْهُ قَبْلَ تِسْعِ سِنِينَ لَزِمَنِ لَا يَسْعُ طَهْرًا وَحَيْضًا فَهُوَ حَيْضٌ^{۱۷} وَإِلَّا فَلَا،^{۱۸} وَلَا حَدًّا لِآخِرِهِ، فَيُمْكِنُ إِلَى الْمَوْتِ.

کم ترین سنی که زن در آن قاعده می شود تقریباً تکمیل نه سالگی است. پس اگر خون را قبل از نه سالگی در زمانی دید که گنجایش پاکی و حیض ندارد، آن حیض است. و اگر نه (گنجایش حیض و پاکی ندارد) پس نه (حیض نیست). و حد و مرزی برای آخر آن نیست. پس تا مرگ امکان دارد (ادامه داشته باشد).

وَأَقْلُ الْحَيْضِ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ،^{۱۹} وَغَالِبُهُ سِتُّ أَوْ سَبْعٌ،^{۲۰} وَأَكْثَرُهُ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا. وَأَقْلُ الطَّهْرِ بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا،^{۲۱} وَلَا حَدًّا لِأَكْثَرِهِ.

مثلاً به همراه توانایی بر ایستادن، نماز سنت را می توان نشسته خواند و در سفر می توان استقبال قبله را ترک کرد. در همه ی موارد علت این است که شخص بتواند نمازهای سنت بیش تری بگذارد زیرا ترک آن موجب عادت می شود.

^{۱۶} . دلیل آن استقراء است. امام شافعی می گوید: کم ترین سنی که شنیدیم زنان حائض

می شوند، زنان تهامه هستند که در نه سالگی حائض می شوند. معرفه السنن و الآثار ۱۵۲۳۷
امام احمد بن حنبل می گوید: عَبَادُ بْنُ عَبَّادٍ مَهْلَبِيُّ كَفَّتْ: مَا زَنِي رَا دِيدِيْمُ كَهْ دَرِ سِنِّ هَجْدَهْ سَالِغِيْ مَادِرِ بَزْرِكِ شَد. دَرِ سِنِّ نَهْ سَالِغِيْ دَخْتَرِيْ زَايِيْدُ وَ اَنْ دَخْتَرِ نِيْزِ دَرِ سِنِّ نَهْ سَالِغِيْ فِرْزَنْدِيْ مِتَوْلَدِ كَرْد. معرفه السنن و الآثار ۱۵۲۳۸

^{۱۸} . اگر پانزده روز - یا کم تر مثلاً چهارده روز - مانده به نه سالگی، خون ببیند حیض

است.

^{۱۹} . اگر شانزده روز - یا بیش تر مثلاً هفده روز - مانده به نه سالگی، خون ببیند حیض

نیست.

^{۲۰} . دلیل آن استقراء است زیرا مدت کم ترین حیض در شرع بیان نشده پس باید به مدت

زمانی رجوع کرد که در زنان وجود دارد.

قاعده: كُلُّ مَا صَابَطَ لَهُ فِي الشَّرْعِ وَلَا فِي اللُّغَةِ يُرْجَعُ فِيهِ إِلَى الْعُرْفِ أَوْ الْوُجُوْدِ.

و کم‌ترین حیض یک‌شبهانه روز، و اغلب آن شش یا هفت روز، و اکثر آن پانزده روز است. و کم‌ترین پاکی بین دو حیض پانزده روز است و حد و مرزی برای بسیاری آن نیست.

امام ابواسحاق شیرازی در المهدب نوشته است: امام شافعی گفت: زنی به من ثابت نمود که همیشه یک شبهانه‌روز حائض می‌شود. امام أوزاعی می‌گوید: نزد ما زنی بود که صبح حائض و شب پاک می‌شد.

امام نووی در مجموع می‌نویسد: اصحاب ما به این حدیث استدلال نموده‌اند: **إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ دَمٌ أَسْوَدٌ يُعْرَفُ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَمْسِكِي عَنِ الصَّلَاةِ.** حسن صحیح. نسائی ۲۱۶
همانا خون حیض، خون تیره است که دانسته می‌شود. پس هرگاه خون حیض بود از نماز دست بکش.

در نتیجه هرگاه زنی با علائم دانست که یک شبهانه‌روز حیض اوست، همان حیض او می‌شود.

۲۱. **قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تَحْيِضِي فِي كُلِّ شَهْرٍ فِي عِلْمِ اللَّهِ سِتَّةَ أَيَّامٍ، أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ.** حسن. ابن ماجه ۶۲۷

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به حمنه بنت جحش که مستحاضه شده بود فرمود: حائض شو در علم الله عزوجل، شش روز یا هفت روز.
۲۲. دلیل آن استقراء است. زیرا مدت زمان بیش‌ترین حیض در شرع بیان نشده پس باید به مدت زمانی رجوع کرد که در زنان وجود دارد.

بیهقی در معرفه السنن و الآثار ۲۲۷۳ می‌نویسد: عطاء می‌گوید: زنانی را دیدم که حیض آنان یک روز بود و زنانی را یافتم که پاکی آنان پانزده روز بود. ابو عبدالله زبیری می‌گوید: در میان زنان ما کسانی بودند که یک روز و کسانی بودند که پانزده روز عادت ماهیانه‌ی آنان می‌آمد.

همچنین حدیث نسائی ۲۱۶ بیان کرد که خون حیض تیره است و فهمیده می‌شود پس اگر دانسته شد پانزده روز خون قاعدگی می‌آید، به پانزده روز حکم کرده می‌شود.

۲۳. زیرا در یک ماه غالباً یک بار حیض و یک بار پاکی قرار می‌گیرد پس وقتی اکثر حیض پانزده روز شد، لازم می‌شود که کم‌ترین پاکی نیز پانزده روز شود.

۲۴. در مجموع، فتح الوهاب، عجاله، تحفه، نهاییه و مغنی در این رابطه اجماع بیان شده است.

فَمَتَى رَأَتْ دَمًا فِي سِنِّ الْحَيْضِ وَوَلَوْ حَامِلًا وَجَبَ تَرْكُ مَا تَتْرَكَ الْحَائِضُ، فَإِنْ انْقَطَعَ لِدُونَ أَقْلِهِ تَبَيَّنَ أَنَّهُ غَيْرُ حَيْضٍ فَتَقْضِي الصَّلَاةَ، فَإِنْ انْقَطَعَ لِأَقْلِهِ أَوْ أَكْثَرِهِ أَوْ مَا بَيْنَهُمَا فَهُوَ حَيْضٌ، وَإِنْ جَاوَزَ أَكْثَرَهُ فَهِيَ مُسْتَحَاضَةٌ وَلَهَا أَحْكَامُ طَوِيلَةٌ مَذْكُورَةٌ فِي كُتُبِ الْفِقْهِ.

پس اگر در سن حیض، خون دید و اگر چه حامله باشد واجب می شود ترک کردن چیزهایی که حائض (آن ها را) ترک می کند. پس اگر (خون) در کمتر از اقل حیض منقطع شد روشن می گردد که آن، حیض نیست پس نمازش را قضا می کند. و اگر در اقل حیض، یا اکثر حیض، یا میان این دو، خون منقطع شد پس آن حیض است. و اگر از اکثر حیض عبور کرد پس او زن مستحاضه است و برایش احکام طولانی است که در کتاب های فقه بیان شده است.

وَالصُّفْرَةُ وَالْكُدْرَةُ حَيْضٌ،^{۲۵} وَإِنْ رَأَتْ وَقْتًا دَمًا وَوَقْتًا نَقَاءً وَوَقْتًا دَمًا وَهَكَذَا وَلَمْ يُجَاوِزِ الْخَمْسَةَ عَشَرَ وَلَمْ يَنْقُصْ مَجْمُوعُ الدَّمَاءِ عَنْ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَالدَّمَاءُ وَالتَّقَاءُ الْمُتَخَلَّلُ كُلُّهَا حَيْضٌ.

^{۲۵} . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ دَمٌ أَسْوَدٌ يُعْرَفُ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَمْسِكِي عَنِ الصَّلَاةِ. حسن صحيح. نسائي ۲۱۶

همانا خون حیض، خون تیره است که دانسته می شود. پس هرگاه خون حیض بود از نماز دست بکش.

عَنْ عَلْقَمَةَ بِنِ أَبِي عَلْقَمَةَ، عَنْ أُمِّهِ، مَوْلَاةِ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهَا قَالَتْ: كَانَ النِّسَاءُ يَبْعَثْنَ إِلَى عَائِشَةَ بِالدَّرَجَةِ فِيهَا الْكُرْسِيُّ، فِيهِ الصُّفْرَةُ مِنْ دَمِ الْحَيْضَةِ، يَسْأَلْنَهَا عَنِ الصَّلَاةِ. فَتَقُولُ لَهُنَّ: لَا تَعْجَلْنَ حَتَّى تَرِينَ الْقِصَّةَ الْبَيْضَاءَ. تُرِيدُ بِذَلِكَ الطُّهْرَ مِنَ الْحَيْضَةِ. صحيح، موطأ مالك ۱۸۹

زنان، پارچه ای که در آن پنبه قرار داشت و در آن، زردی از خون حیض بود به نزد عایشه می فرستادند. از عایشه در مورد نماز می پرسیدند (که این زردی وجود دارد، ما نماز بخوانیم یا نه؟) عایشه به آنان می گفت: عجله نکنید تا این که اثر سفید رنگ را ببینید. منظور عایشه، پاکی از حیض بود.

و زردی و تیرگی حیض است. و اگر گاهی خون و گاهی پاکی دید و گاهی خون و به همین صورت. و از پانزده روز عبور نکرد و مجموع خون‌ها از یک شبانه روز کمتر نشد پس خون‌ها و پاکی‌های لابلای خون‌ها تمامی حیض است.

وَأَقْلُ النَّفَاسِ لِحَظَّةٍ^{۲۶}،^{۲۷} وَعَالِبُهُ أَرْبَعُونَ يَوْمًا،^{۲۸} وَأَكْثَرُهُ سِتُونَ يَوْمًا،^{۲۹} فَإِنْ جَاوَزَهُ فَمُسْتَحَاضَةٌ.

و کم‌ترین خون بعد از زایمان، یک لحظه، و اغلب آن چهل روز، و اکثر آن شصت روز است. پس اگر از آن عبور کرد پس او زن مستحاضه است.

وَيَحْرُمُ بِالْحَيْضِ وَالنَّفَاسِ مَا يَحْرُمُ بِالْجَنَابَةِ وَكَذَا الصَّوْمُ، وَيَجِبُ قَضَاؤُهُ دُونَ الصَّلَاةِ؛^{۳۰} وَيَحْرُمُ عُبُورُ الْمَسْجِدِ إِنْ خَافَتْ تَلْوِيئَهُ،^{۳۱} وَالْوُطْءُ،^{۳۲} وَالِاسْتِمْتَاعُ فِيمَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَالرُّكْبَةِ،^{۳۳} وَالظَّلَاقُ،^{۳۴} وَالطَّهَارَةُ بِنِيَّةِ رَفْعِ الْحَدَثِ.^{۳۵}

^{۲۶} . در چاپ دار المنهاج چنین آمده: وَأَقْلُ النَّفَاسِ حَسْبُهُ، اما در چاپ‌های دیگر، شروحات و نسخ خطی نزد من آنچه ثبت کردیم.

^{۲۷} . دلیل آن همانند حیض، استقراء است.

^{۲۸} . عَنْ مُسَّةَ الْأَزْدِيَّةِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: كَانَتْ التُّفَسَاءُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَجْلِسُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. حسن صحيح. ابن ماجه ۶۴۸

زنانی که خون نفاس آنان می‌آمد در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چهل روز می‌نشستند. این روایت به اغلب زنان و یا بر زنانی خاص حمل کرده می‌شود زیرا در روایت دیگر از همان راوی (مُسَّةَ الْأَزْدِيَّةِ) آمده است که: عَنْ مُسَّةَ الْأَزْدِيَّةِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: كَانَتْ الْمَرْأَةُ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَقْعُدُ فِي النَّفَاسِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.

حسن. ابوداود ۳۱۲

زنی از زنان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در خون نفاس، چهل روز می‌نشست.

^{۲۹} . دلیل آن همانند حیض، استقراء است. امام رافعی در فتح العزیز ۵۷۳/۲ می‌نویسد: امام

أوزاعی گفت: زنی نزد ما وجود دارد که دو ماه خون نفاس دیده است. ربيعة الرأی (تابعی، شیخ امام مالک) می‌گوید: مردانی را درک کردم که می‌گفتند: بیش‌ترین زمانی که خون نفاس می‌آید، شصت روز است.

۳۰. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ قُلْنَ: بَلَى.

بخاری ۳۰۴

مگر نه این است که هرگاه زنی حائض شد نماز نمی‌گزارد و روزه نمی‌گیرد؟ گفتیم: بله. زنان بعد از به پایان رسیدن عادت ماهیانه نماز را قضا نمی‌کنند اما روزه را قضا می‌کنند. دلیل آن:

قَالَتْ عَائِشَةُ: كَانَ يُصِيبُنَا ذَلِكَ، فَنُؤْمِرُ بِقِضَاءِ الصَّوْمِ، وَلَا نُؤْمِرُ بِقِضَاءِ الصَّلَاةِ.

مسلم ۳۳۵

(در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم) یکی از ما حائض می‌شد، به قضای روزه امر می‌شدیم اما به قضای نماز امر نمی‌شدیم.

۳۱. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا

مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا﴾ سوره نساء، آیه: ۴۳

(به مواضع) نماز (یعنی مساجد) نزدیک نشوید در حالی که مست هستید تا اینکه بدانید چه می‌گویید و نه در حالت جنابت، مگر عبور کننده (از مسجد باشید)، تا اینکه غسل بزنید. یعنی شخص جنب نمی‌تواند در مسجد بماند فقط به او اجازه داده شده که بدون توقف از مسجد گذر کند.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي لَا أَحِلُّ الْمَسْجِدَ لِلْحَائِضِ وَلَا جُنْبٍ.

ابوداود ۲۳۲، حافظ در التلخیص الحبیر ۱۸۵ می‌نویسد: ابن خزیمه آن را صحیح و ابن القطان آن را حسن دانسته، زیلعی در نصب الرایه ۱۹۴/۱ نیز آن را حسن دانسته، اما برخی از علما آن را ضعیف دانسته‌اند.

همانا من ورود حائض و جنب را به مسجد، حلال و روا نمی‌دارم.

النجم الوهاج: اگر بیم دارد که مسجد آلوده شود به خاطر حفظ و نگهداری آن، از آن جا گذر نمی‌کند.

۳۲. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي

الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ سوره بقره، آیه: ۲۲۲

و از جماع کردن با همسران در حالت حیض از تو می‌پرسند. بگو: آن مستقدر و پلیدی است. پس در حالت حیض از زنان کناره‌گیری کنید و با آنان جماع نکنید تا این که پاک شوند.

و هرگاه غسل زدند پس با آنان آمیزش کنید آن گونه که الله عزوجل به شما امر نموده است. بدون شک الله عزوجل توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد. عجاله: به اجماع.

۳۳. عَنْ حَرَامِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ عَمِّهِ، أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا يَجِلُّ

لِي مِنْ أَمْرَاتِي وَهِيَ حَائِضٌ؟ قَالَ: لَكَ مَا فَوْقَ الْإِزَارِ. صحيح. ابوداود ۲۱۲

عموی حرام بن حکیم از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: زمانی که همسر من حائض است چه چیزهایی از او بر من حلال می شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بالای ازار (بالای ناف) برای تو حلال است.

اما حدیث: **إِصْنَعُوا كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا التَّكَاحَ**. مسلم ۳۰۲

(در موقع حیض) همه چیز را می توانید انجام دهید مگر جماع.

رملی در نهاییه ۳۳۱/۱ می نویسد: این حدیث عام است و حدیث **لَكَ مَا فَوْقَ الْإِزَارِ** مفهوم آن را خاص می گرداند.

۳۴. **لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ﴾** سوره طلاق،

آیه ۱

ای پیامبر! هرگاه خواستید زنان را طلاق بدهید پس در وقت فرارسیدن عده (یعنی آغاز پاک شدن زن از حیض که شوهر در آن با او نزدیکی نکرده باشد) طلاق دهید.

عَنْ أَنَسِ بْنِ سِيرِينَ، قَالَ: سَأَلْتُ ابْنَ عُمَرَ عَنِ امْرَأَتِهِ الَّتِي طَلَّقَ، فَقَالَ: طَلَّقْتُهَا

وَهِيَ حَائِضٌ، فَذَكَرَ ذَلِكَ لِعُمَرَ، فَذَكَرَهُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «مُرَهُ

فَلْيُرَاجِعْهَا، فَإِذَا طَهَّرَتْ فَلْيُطَلِّقْهَا لِيُطَهِّرَهَا»، قَالَ: فَرَاغْتُهَا، ثُمَّ طَلَّقْتُهَا لِيُطَهِّرَهَا. مسلم

۱۴۷۱

انس بن سیرین می گوید: از ابن عمر در مورد همسرش که او را طلاق داده بود، پرسیدم. گفت: در حالی که حائض بود او را طلاق دادم. آن را به پدرم عمر گزارش دادند. عمر آن را به عرض رسول الله صلی الله علیه وسلم رسانید. ایشان فرمودند: به او دستور بده که رجعه کند پس هرگاه (همسرش از حیض) پاک شد او را در زمان پاکی اش طلاق دهد. ابن عمر گفت: او را رجعه کردم سپس در زمان پاکی اش، او را طلاق دادم.

۳۵. فیض الاله المالک: به خاطر تلاعب او با دین.

و به سبب حیض و نفاس حرام می‌شود آن چه به سبب جنابت حرام می‌شود؛ و همچنین روزه، و قضای آن واجب می‌شود به غیر از (قضای) نماز (که واجب نمی‌شود)؛ و عبور در مسجد حرام می‌شود اگر ترس آلودگی آن دارد؛ و جماع کردن؛ و عشق بازی میان ناف و زانو؛ و طلاق؛ و وضو به نیت برطرف کردن بی‌وضویی.

فَإِذَا ۳۶ انْقَطَعَ الدَّمُ ارْتَفَعَ تَحْرِيمُ الصَّوْمِ وَالطَّلَاقِ وَالطَّهَارَةِ وَعُبُورِ الْمَسْجِدِ ۳۷ وَيَبْقَى الْبَاقِي حَتَّى تَغْتَسِلَ، ۳۸ وَلَوْ ادَّعَتْ الْحَيْضَ وَلَمْ يَقَعْ فِي قَلْبِهِ صِدْقُهَا حَلٌّ لَهَا وَطُؤُهَا. ۳۹

پس اگر خون منقطع شد تحریم روزه، و طلاق، و طهارت، و عبور در مسجد برداشته می‌شود و باقی (تحریمات، مانند: نماز، جماع، عشق بازی، قرائت قران و حمل آن و طواف) باقی می‌ماند تا این که غسل بزند. و اگر (زن) ادعای حیض کرد و صداقت (گفته‌ی) زن در قلب مرد واقع نشد برای مرد، جماع کردن با آن زن حلال می‌شود.

وَتَغْسِلُ الْمُسْتَحَاضَةَ فَرْجَهَا وَتَشُدُّهُ وَتَعَصِبُهُ ثُمَّ تَتَوَضَّأُ ۱ وَلَا تُؤَخِّرُهُ بَعْدَ الطَّهَارَةِ إِلَّا لِلِاسْتِغَالِ بِأَسْبَابِ الصَّلَاةِ كَسِتْرِ عَوْرَةٍ وَأَذَانٍ وَانْتِظَارِ جَمَاعَةٍ، ۱ فَإِنْ أَحْرَثَ لِغَيْرِ ذَلِكَ

۳۶. در بعضی از نسخه‌ها: **فَإِنْ انْقَطَعَ.**

۳۷. زیرا این امور به وسیله‌ی حیض حرام‌اند نه به حدت.

۳۸. زیرا این امور بوسیله‌ی حدت حرام‌اند.

اما استمتاع و جماع به این آیه: ﴿وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ

حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾ سوره بقره، آیه: ۲۲۲

پس در حالت حیض از زنان کناره‌گیری کنید و با آنان جماع نکنید تا این که پاک شوند. و هرگاه غسل زدند پس با آنان آمیزش کنید آن گونه که الله عزوجل به شما امر نموده است.

۳۹. فیض الاله المالک و فتح الوهاب المالک: زیرا اصل بر حلال بودن است تا این که

خلاف آن ثابت شود.

۴۰. **عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّ امْرَأَةً كَانَتْ تُهْرَاقُ الدَّمَاءَ**

عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَفْتَتْ لَهَا أُمُّ سَلَمَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «لِتَنْظُرِ عِدَّةَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ الَّتِي كَانَتْ تَحِيضُهُنَّ مِنَ الشَّهْرِ قَبْلَ أَنْ

يُصِيبَهَا الَّذِي أَصَابَهَا، فَلْتَتْرِكِ الصَّلَاةَ قَدْرَ ذَلِكَ مِنَ الشَّهْرِ، فَإِذَا حَلَفْتَ ذَلِكَ

فَلْتَغْتَسِلِ، ثُمَّ لِيَسْتَنْفِرْ بِثَوْبٍ، ثُمَّ لِيَتَّصِلْ فِيهِ». صحیح، ابوداود ۲۷۴

اسْتَأْنَفَتِ الطَّهَّارَةَ؛ وَيَجِبُ غَسْلُ الْفَرْجِ وَتَعْصِيْبُهُ وَالْوُضُوءُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ،^{۴۱} وَمَنْ بِهِ سَلَسُ الْبَوْلِ كَالْمُسْتَحَاضَةِ فِيمَا تَقَدَّمَ.

و زن مستحاضه شرمگاهش را می‌شوید و (بعد از قرار دادن پنبه) آن را می‌بندد سپس وضو می‌گیرد و بعد از وضو، آن را به تأخیر نمی‌اندازد مگر برای مشغول شدن به اسباب نماز، مانند: پوشیدن عورت و اذان و انتظار جماعت. پس اگر برای (اموری) غیر از آن به تأخیر انداخت طهارت را از نو شروع می‌کند. و شستن شرمگاه و بستن آن و وضو برای هر نماز فرضی واجب می‌شود. و هر کس ریزش ادرار دارد در احکامی که گذشت مانند زن مستحاضه است.

زنی در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار خون می‌ریخت. ام سلمه برای او از رسول الله صلی الله علیه وسلم استفتا کرد. ایشان فرمودند: به شب و روزهایی نظر بیندازد که در یک ماه حائض می‌شد قبل از این که این حالت به او دست بدهد. پس به همان مقدار از آن ماه، نماز را ترک کند. هرگاه آن را پشت سر گذاشت غسل بزند سپس شرمگاهش را با پارچه‌ای ببندد سپس در آن نماز بگذارد.

^{۴۱} . النجم الوهاج: زیرا این امور برای مصلحت نماز است و با انجام آنها مقصر شناخته

نمی‌شود.

^{۴۲} . عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي «الْمُسْتَحَاضَةِ تَدْعُ الصَّلَاةَ أَيَّامَ أَقْرَائِهَا، ثُمَّ تَغْتَسِلُ وَتُصَلِّي، وَالْوُضُوءُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ».

صحیح، ابوداود ۲۹۷

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد زن مستحاضه فرمود: ایام حیض خویش، نماز را ترک می‌کند سپس غسل می‌زند و نماز می‌خواند و برای هر نمازی وضو می‌گیرد.